



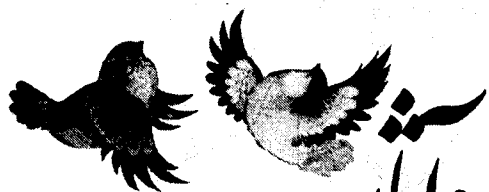
رضا همراهز

برای اولین بار

اشعار و آثار میرزا جعفر خان منشی



قالان یورد



اشعار و آثار میرزا جعفر خامنه‌ای

خامنه‌ای، جعفر، ۱۳۶۲-۱۳۶۵.

عنوان و نام پدیدآور: اشعار و آثار میرزا جعفر خامنه‌ای / محمدرضا ترابی (رضا همراز).

مشخصات نشر: تبریز: قالان یورد، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ص: مصور: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۸۵-۹-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: خامنه‌ای، جعفر، ۱۳۶۲-۱۳۶۵. -- نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- ۲۰th century

موضوع: نثر فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Persian prose literature -- ۲۰th century

موضوع: شعر ترکی آذربایجانی -- ایران -- قرن ۱۴

موضوع: Azerbaijan poetry -- Iran -- ۲۰th century

شناسه افزوده: ترابی، محمدرضا، ۱۳۴۷ -

رده بندی کنگره: ۸۳ ۱۳۹۸ الف/ PIR۳۴۲

رده بندی دیویی: ۸۸۱/۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۶۱۱۰۱۰

ISBN: 978-600-98585-9-0



9

786009

858590

اشهد بیک
میرزا جعفر
خامنه‌ای

اشعار و آثار میرزا جعفر خامنه ای

تألیف: رضا همراز

گرافیک: هادی ارجمند (آناپای)

چاپ: اطلس

اندازه: رقعی

صفحه: ۱۰۸

تیراژ: ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۵۸۵-۹۰۰

حق چاپ و هر گونه استفاده محفوظ است

قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان



انتشارات آلاله نورد

۳ |
شماره ۱
میرزا جعفر
خامنه ای

نبریز، رشديه، خيابان گلستان، خيابان سعدی، پلاک ۲۰

تلفن: ۰۴۱۳۶۶۱۰۴۰۶ فکس: ۰۴۱۳۶۶۱۰۴۰۷



فهرست

مقدمه ۶	۵۰ طیب حاذق
همکاری میرزا جعفر خامنه‌ای با مطبوعات ۱۱	۵۱ به وطن
آثار به یادگار مانده از میرزا جعفر خامنه‌ای ۱۲	۵۲ قرن ابوالعجب
مقدمه مترجم ۱۵	۵۵ قرن بیستم
دوستان شاعر ۱۷	۵۷ تصنیف
غزل ۱۸	۶۰ فی‌الہزل
وفات ۲۲	۶۲ اتحاف به شہدای حریت
محل مزار ۲۳	۶۳ زمستان ترجمه‌ای از آثاریکی از شاعران روس
آثاری که در مورد ایشان تحریر گردیده است ۲۴	۶۶ سرود ملی
ادبیات منثورہ - چہ گریہ ہای لذیذ ۳۰	۶۷ نغمہ فریاد اورمیہ
امیداستقبال ۳۲	۷۰ اشعار ترکی
نان ۳۴	۷۳ گوزون
صفحات حیات ۳۶	۷۴ وطن یولوندا
غزل ۳۷	۷۶ سن گول . من آغلارام
فرشتہ صلح ۳۸	۷۷ تحسّر مایوسانہ
افق تاریک ۳۹	۷۸ اضطراب و رازی اسلام و فریاد آہرای ایران
تاریکی استقبال - یا - خواب پریشان ۴۰	۸۵ منابع و توضیحات
عرض و تشکر و خیر مقدم بہ مهمان معزز و محتشم ۴۳	۸۷ ضمائم
در موقع جنگ بین المللی ۴۷	
تصنیف ۴۹	

... به شهر ما پس از آنگاه، انقلاب ادب شروع شد که نه‌چندان به اصل بود و نسب نخست «رفعت» و «بانوی شمس کسمائی» نهاد خشت نخستین به کار بنائی دو تن دگر به دنبال آن دوراهی بود «تقی برزگر» و «احمد کلاهی» بود همان که آخر سر پیشوای ما «تیمما» به مشق نسخه‌ی کامل‌تری شد از آن‌ها و لیک «خامنه‌ای»، اسم کوچکش «جعفر» شد از (تخیل و از فانتزی) یکی رهبر همان که تکمله‌ی آن (فسانه‌ی نیماست) که از (تخیل وحشی و فانتزی) غوغاست...

استاد سید محمد حسین شهریار

میرزا جعفر نقوی خامنه‌ای که بیشتر بانام میرزا جعفر خامنه‌ای در عالم ادبیات مشتهر گردیده است یکی از شاعران بزرگ و درعین‌حال گمنام معاصر است که خدمتش به عالم تجدّد بر هیچ متجذّی پوشیده نیست. تا به امروز متأسفانه درباره چگونگی بروز شعر نو در آذربایجان و سرایندگان پیشتاز آن تحقیق جامع و کاملی که این روند را در آذربایجان دنبال کرده باشد صورت نگرفته است. با این حال برخی از آثار جسته و گریخته به‌صورت مقاله‌های کوتاه یا در لابه‌لای آثار به این مسئله بسیار مهم اشاره‌ای گذرا کرده‌اند. بنا به تحقیقات راقم این سطور اولین سراینده‌ی شعر نو در تاریخ ادبیات ایران را باید سعید سلماسی دانست.

مسئله‌ی شعر نو اگرچه در بستر انقلاب مردمی مشروطه و در طول حوادث و رخداد‌های آن رشد یافت بی‌شک خدمات ارزنده‌ای به جامعه‌ی انقلابی آن روز ارائه کرد و به تبع آن شاعران جوانی به این جرگه نوپا پیوستند که نمونه‌هایی از اشعار این دوره در مطبوعات آن عهد یا روزنامه‌های خاطرات و سفرنامه‌ها و تاریخ‌ها و جنگ‌ها آمده است. یکی از پیشگامان همین نهضت ادبی یا شعر نو میرزا جعفر خامنه‌ای بود. قبل از اینکه در مورد اشعار ایشان بحث شود که پیش‌تر در این مورد صحبت شده است جا دارد به زندگی درویش‌مآلانه‌ی وی نیز کمی بیش اشاره‌ای گردد.

زنده‌یاد میرزا جعفر خامنه‌ای در سال ۱۲۶۵ مطابق ۱۳۰۲ هجری از صلب حاج شیخ علی اکبر و فاطمه خانم در محله‌ی اهراب تبریز دیده به جهان گشود. طبق روال آن عهد در کودکی به مکتب‌خانه سپرده شد. پس از آنکه خواندن و نوشتن بیاموخت به توصیه‌ی پدر ترک درس و مشق کرد! اما باین حال در فرصت‌های مناسب به مطالعه‌ی آزاد روی آورد، حتی چندین زبان خارجی را نیز فراگرفت. چون پدرش از تجار معروف و نیکاندیش تبریز بود در کنار ایشان به امر تجارت روی آورد. هنوز نوزده‌ساله بود نائره‌ی مشروطیت شعله‌ور گردیده و این جوان نیز دست در دست پدر از این جنبش استقبال کرده و در پیشبرد آن از جان و مال مایه می‌گذارند. تا اینکه فرمان مشروطیت صادر می‌شود. پس از آن میرزا جعفر خامنه‌ای که میانه‌ی خوبی با شعر و ادب داشت و از قبل در این راستا چیزهایی می‌نوشت رسماً قلم به دست گرفته و در مطبوعات آن عصر به قلم‌فرسایی می‌پردازد. بنا به تحقیقات راقم اولین اشعار ایشان در روزنامه‌ی بلندآوازه‌ی آذربایجان که به کوشش و اهتمام علی‌قلی صفراف منتشر می‌شد، انتشار می‌یابد. هم‌زمان و بعد از آن نیز در مطبوعات ایران یا خارج از ایران مطالبی از ایشان دیده می‌شود؛ اما آن چیزی که میرزا جعفر خامنه‌ای را از دیگر شاعران آن دوره متمایز می‌کند اندیشه‌ی تجدّد خواه این شاعر است که خود را در قیدوبند صناعات عروضی زندانی نکرده و از عرف معمول عدول کرده و اشعاری در قالب‌هایی می‌سراید که قبل از وی فقط سعید سلماسی شاعر جوان مرگ آذربایجان سروده بود؛ اما شاعر با الهام از آن شهید جاوید سروسامانی به آن‌ها داده و مورد توجه دیگر دوستان واقع می‌گردد.

اگر سعید سلماسی را به عنوان اولین سراینده‌ی شعر نو بشناسیم به تحقیق ایشان دومین شخصی هستند که پیگیر موضوع گردیده و با سرودن اشعار به طرزهای نوین در مطبوعات عصر مشروطیت صدای حق‌طلبانه‌ی

مردم آذربایجان را تا دورها می‌رساند! در کنار ایشان شعری چون بانو شمسی کسمایی، میرزا تقی‌خان رفعت، احمد خرم، نقی برزگر، هاشم کلانتری، اسکویی و چند تن دیگر حاضر شده و حلقه‌ای تشکیل می‌دهند. این حلقه سبب می‌شود شعری چون مازور ابوالقاسم لاهوتی کرمانشاهی و شمسی کسمایی که خود ذاتاً از روستای کسمای رشت بود و مدتی در یزد بود و در آن وقت در تبریز به گذران زندگی مشغول بود، به حلقه‌ی مکتب تجدد گرویده و آثاری نیز به یادگار گذاشتند.

اشعار میرزا جعفر خامنه‌ای صرف‌نظر از اینکه در مطبوعات آن عهد منتشر می‌گردید مورد توجه خیلی از ادبای ایرانی و خارجی قرار گرفت. مثلاً ادوارد براون قطعاتی از اشعار صاحب ترجمه را در کتاب خود درج کرد. امتیاز این شاعر ارجمند با دیگر بزرگان آن زمان در این بود که وی صرفاً یک شاعر شناخته نمی‌شد و در دست دیگر وی نیز سلاح بود. البته بیشتر شاعران خطه‌ی آذربایجان در آن مقطع حساس چنین بودند، مانند میرزا احمد سهیلی تبریزی شهید عاشورای ۱۳۳۰ هجری، عبدالحسین خازن خیابانی، تقی رفعت و ... اما امتیاز دیگر این شاعر آشنایی با چند زبان به‌غیر از زبان مادری و روح متجددانه که در مقایسه با خازن، سهیلی و ... به مراتب قوی‌تر و چشمگیرتر بود.

روحیه‌ی انقلابی که در ناصیه‌ی میرزا جعفر خامنه‌ای بود سبب گردید در دیگر انقلابات نیز حضوری فعال داشته باشد. اما پس از اینکه نهضت آزادیستان یا همان شیخ محمد خیابانی با دسیسه‌ی مهدیقلی خان مخبرالسلطنه هدایت سرکوب گردید و یار غار ایشان میرزا تقی‌خان رفعت بنا به روایتی دست به انتحار زد، دیگر حضور ایشان در مجامع ادبی - سیاسی کم‌رنگ‌تر می‌شود. این رنگ‌باختگی را ما تا آخر عمر ایشان می‌بینیم. متأسفانه این سکوت سنگین میرزا جعفر خامنه‌ای و دوستان و یاران شاعر سبب گردید که خیلی از حلقه‌های مفقوده‌ی مکتب تجدد باگذشت بیش از یک قرن هنوز هم ناگشوده به قوت خود باقی بماند!

کسانی هم که در مورد شعر و ادبیات عصر مشروطیت تحقیق کرده‌اند متأسفانه تا به نام شعرای آذربایجان رسیده‌اند از کنار نام آن‌ها بی‌تفاوت رد شده و یا گه‌گاهی به نام بردن یکی دو تن دیگر آن‌هم به‌صورت گذرا اکتفا کرده‌اند! آن‌ها حتی از نام بردن شمسی کسمایی نیز غافل نبوده‌اند! چرا که آن شاعره‌ی نوگرا نیز وابسته به مکتب تجدد و تبریز بود. در این راستا کافی است به کتاب‌های زیرین نظری داشته باشید.

۱- شعر دوره‌ی مشروطه، دکتر منیب الرحمن، ترجمه‌ی یعقوب آژند،
نشر روزگار، ۱۳۷۸ - تهران

۲- ادبیان مشروطه، باقر مؤمنی، نشر گلشایی، تهران ۱۳۵۴

۳- یا مرگ یا تجدّد (دفتری در شعر و ادب مشروطه) ماشاءالله آجودانی،
نشر اختران، تهران ۱۳۸۲

۴- ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت) محمدرضا شفیعی
کدکنی، نشر توس، تهران ۱۳۵۹

۵- تجدّد ادبی در دوره‌ی مشروطه، یعقوب آژند، نشر موسسه‌ی تحقیقات
و توسعه‌ی علوم انسانی، تهران ۱۳۸۵

۶- و ...

در نظر این چنین نویسندگان شعر و ادبیات مشروطیت با ادیب الممالک
فراهانی، میرزاده عشقی، ملک الشعرا بهار، ایرج میرزا و ... کفایت می‌کند!

همکاری میرزا جعفر خامنه‌ای با مطبوعات

چنانکه گفته شد میرزا جعفر آقا خامنه‌ای با مطبوعات متعددی همکاری می‌نمود. گویا اولین روزنامه‌ای که شعرش در آنجا منتشر گردیده روزنامه‌ی پرمحتوای آذربایجان، منتشره در تبریز بود. بعد از آن هم با روزنامه‌هایی چون: فریاد - اورمیه، تجدّد - تبریز، خورشید - مشهد، آذربایجان - تبریز، نشریه‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی - تبریز، حبل‌المتین - کلکته، شمس - استانبول، عصر جدید - تهران، دانشکده - مشهد، ناله‌ی ملت - تبریز، آزاد - طهران، گنجینه‌ی معارف - تبریز، چهره‌نما - طهران و... همکاری تنگاتنگی داشت. چنانکه مذکور شد آن مرحوم مدنی نیز در نشریه‌ی «عصر جدید» قلم‌فرسایی نمود. این نشریه را متین السلطنه منتشر می‌کرد و «مدیر داخلی آن جعفر خامنه‌ای و افراسیاب آزاد بودند. قطعه‌های اخلاقی و مقالات تاریخی از قلم برادر بزرگش دکتر اعلم الدوله (دکتر خلیل ثقفی) در عصر جدید به چاپ می‌رسید» (جان‌باختگان روزنامه‌نگار ص ۲۷۰) البته مورخ شهیر نهضت مشروطیت سید احمد کسروی تبریزی نیز معتقد بود نشریه‌ی عصر جدید یکی از نشریات جالب آن زمان بود و از این‌رو نوشته بود «متین السلطنه در آغاز جنگ جهانگیر روزنامه‌ی عصر جدید را بنیاد نهاد که یکی از روزنامه‌های آبرومند و در میان روزنامه‌نویسان کسی به آگاهی و فهم او نمی‌بوده.» (جان‌باختگان روزنامه‌نگار ص ۲۱۸ به نقل از تاریخ هجده‌ساله‌ی آذربایجان - احمد کسروی) خوشبختانه ایشان در پای اکثریت قریب به اتفاق اشعارش محل نشر آن را نیز به خط زیبای خود قید کرده‌اند. جالب است که در بعضی از اشعار خود نیز در دیوانشان پاره‌ای حکواصلاح نموده‌اند که در این مجموعه آن‌ها نیز لحاظ و قیدشده‌اند.

از این شاعر متجدد به‌غیر از دیوان اشعار که به خط زیبای خود در دفتری ثبت کرده، این آثار نیز دیده می‌شوند:

۱. اوراق متفرقه به خط ایشان از ادبا و شعرایی چون میرزا محمدعلی صفوت تبریزی، عبدالحمید حقیقی نخجوانی، علی‌اکبر عماد «رمزی تبریزی» ناشر اولین دیوان نیر تبریزی و ... قابل‌رویت هستند.

۲. مکتوبات: از مکتوبات ایشان متأسفانه فقط یک نمونه در دست است که آن را نیز برای دوست خود نوشته است. قطعاً از این شاعر نامه‌های زیادی بود که متأسفانه نتوانستیم به دست بیاوریم؛ اما در آرشیو ایشان نامه‌هایی از بزرگانی چون: حاج میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی نویسنده‌ی بزرگ و نام‌آشنای عصر مشروطیت، مورخ شهیر سید احمد کسروی، شاعره بلندآوازه‌ی تبریزی پروین اعتصامی، مورخ معروف دنیای عرب جرج زیدان و ... قابل‌رویت هستند. ذیلاً نامه‌ای از ایشان تقدیم می‌گردد:

تبریز - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۴۲
حضور محترم آقای حسن افتخار جوادی - تهران

نامه گرامی مورخ ۴۲/۱/۲۴ زیارت گردید. در ضمن
عذر تأخیر پاسخ از ابراز لطف و محبتی که بهیچ وجه
شایستگی آنرا ندارم سپاسگزاری می نمایم. اشاره بکوتاهی
مدت اقامت در تبریز فرموده اید. با اینکه دو سه بار
بیشتر توفیق زیارت حاصل نشد لکن چون این دیدار
برای من غیر منتظره بود مانند هر صحبت غیر مترقبه
ای مسرت و عزت عظیمی در برداشت. قطعه معهود اثر
آقای حمید آقابخوانی در صفحه دیگر تقدیم می شود.

با درود فراوان - جعفر خامنه